Archive of SID

پژوهش‌نامهٔ زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فصل‌نامهٔ علمی (مقالهٔ علمی ـ پژوهشی)، سال دهم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۳۹۸، ۶۱-۸۳

بررسی عدالت آموزشی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

شاپور جهانجونیا*

سید علی پور منوچهری**

چکیده

در قانون اساسی کشورمان دراصول۲، ۳،۱۹،۲۰ و۳۰ و همچنین درسند چشم اندازافق ۱٤۰٤ وهمچنین دربرنامه های پنج ساله چهارم، پنجم و ششم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری و نیز در منشور حقوق دفاع ازحق آموزشی زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ومجلس شورای اسلامی والبته در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به استیفای حق آموزشی زنان و دستیابی زنان کشورمان به فرصت های برابر آموزشی با رعایت شرایط و اصول حاکم در دین اسلام، تآکید شده است ولی با این وجود، باز شاهد بی عدالتی های متعدد در این زمینه هستیم و به نظر علت آن این است که برای اجرای دستورات دینی و قوانین حقوقی مرتبط، نظارت و ضمانت اجرایی و نیز پویایی و به روز رسانی مستمر و پیوسته قوانین و ضوابط حاکم بر عدالت آموزشی زنان، ضعیف می باشد و پیشنهاد کاربردی مستخرج این مقاله این است که علاوه برپویایی و به روز رسانی قوانین و مقررات، می بایست بخش نظارتی و ضمانت اجرایی قوانین مرتبط با رعایت و تحقق عدالت آموزشی زنان فعال باشد.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،
shapoorjahanjoonia@gmail.com

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،
Ali_poormanuchehehi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰٤، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

www.SID.ir

Archive of SID

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت آموزشی، قانون اساسی، نظام حقوقی، منشور حقوق زنان، برابری آموزشی

۱. مقدمه

همواره یکی از دغدغه ها وموضوعات بسیارمهم محققان،نویسندگان، روشنفکران و هرفرد مسلمان وآزاده ای، کمک به برقراری عدالت وتلاش درجهت توسعه وتحقق آن بوده است.حتی درجوامع غیر اسلامی نیز رعایت وبرقراری عدالت در زمینه های مختلف فرهنگی،اجتماعی،اقتصادی وآموزشی به عنوان یک آرمان و شعاراساسی بوده است.یا این وجودبازبه دلیل وجود اشتباهات ذهنی وتبعیت از امیال نفسانی ورغبت به موضوعاتی ازقبیل نژادپرستی،جنسیت وغیره ، شاهد برقراری عدالت همه جانبه وکامل نیستیم وچه بسا بسیارشاهد بی عدالتی درزمینه های مختلف درجوامع غیر دینی هستیم والبته متأسفانه حتی درجوامع دینی واسلامی نیز به خاطر بعضی غفلت ها وعدم آگاهی دقیق از منویات ودستورات دین مبین اسلام ویا حتی بعضا به دلیل برداشت ها وتفسیر های تاریک ویا افراطی از دستورات دینی،شاهداعمال سلیغه های شخصی ودرنهایت عدم تفسیرروشن وکامل از دستورات دینی وقانونی وبه تبع آن نظاره گر موانع مختلف ومتعدد برسر راه تحقق عدالت همه جانبه درجامعه وبه ویژه نظام های آموزشی کشورهستیم.

بدیهی است یکی ازموضوعات ومسایل مهم واساسی مورد نیاز هرجامعه ای موضوع آموزش می باشدوبرای توسعه پایدار وپیشرفت هرجامعه ای ،آموزش حرف اول را می‌زند و دسترسی انسان به هریافته علمی ودانش نوین واطلاعات وآگاهی های مختلف عمومی وتخصصی، صرفا از طریق آموزش موثراست.وبا توجه به بررسی درمکاتب مختلف حقوقی درجهان وازجمیه مکتب حقوقی اسلام،آموزش یک حق است که درمیثاق بین المللی فرهنگی ،اجتماعی واقتصادی،آموزش به عنوان یکی از حقوق بشر است والبته عقل وندای درونی فطرت نیز موید این مطلب است که آموزش یک حق مسلم وضروری است ودرحقوق وقوانین حاکم برکشورمانیز آموزش یک حق برای یکایک مردم کشورمان به شمار می رود.وچون موضوع عدالت یکی از ارکان حق وپیوسته با حق است یه گونه ای که به لحاظ ذهنی وانتزاعی وحتی عینی وملموس،نمی شود برای موضوعی،حقی قایل شدکه ازعدالت به دور باشد وموضوع آموزش نیز ازآن مستثنی نیست،لذا وقتی که آموزش به عنوان یک حق ازنوع حقوق بشرمجسوب می شود، لذا رویکردعدالت محوری حق

www.SID.ir

Archive of SID

آموزش ظهور وبروزپیدا می کند.ودقیقا از همین جا بحث اصلی مقاله واهمیت موضوع وضرورت وشیوه های پرداختن به آن ودرنهایت نوع آوری ویافته نوین مقاله معنا پیدا می‌کند که همان موضوع عدالت آموزشی زنان درقوانین جمهوری اسلامی ایران است.

دراین مقاله سعی شده است ابتدا از منابع ومستندات معتبروموثق به موضوعات ومفاهیمی از جمله عدالت،آموزش،حق آموزش وحقوق زنان در آموزش ونقش واهمیت آموزش درارتقای توانمندی زنان و استیفای حقوق فراموش شده زنان ونیز جایگاه واهمیت مهم وکلیدی زنان درتوسعه پایدارجامعه و نیز نقش آنان درتربیت فرزندان واستحکام خانواده پرداخته شود وسپس با تجزیه وتحلیل یافته های مستند،موضوع جایگاه وارتباط واهمیت ونقش پایدار ودائمی که بارعایت عدالت درحق آموزشی زنان نمایان می‌شود ودرنهایت از طریق قوانین موجودحقوقی کشور گره ای از موانع برسر راه آموزش زنان برداشته شود.

۲. عدالت

عدالت مفهومی اخلاقی است. انسان به دلیل وجود اختلافات اجتماعی، در خود به نوعی عدالت احساس نیاز می کند. این احساس عدالت نزد همه بیش و کم وجود دارد، ولی بیشتر احکام عرفی، ساده و ناقص است و همگان درباره مسایل حقوقی و اقتصادی، عدالت را تشخیص نمی دهند. همان گونه که در اخلاق باید، عرف پاکان و پرهیزکاران را مبنا قرار داد، مفهوم عدالت را نیز باید در نوشته های دانایان حقوق و اخلاق جستجو کرد. (سیدقطب،۱۳٤٦: ۵۱۵)

به طور خلاصه، انسان طالب اجرای عدالت است. سخت ترین دل ها نیز وانمود می‌کنند که چنین شوقی را در درون خود دارند. تاریخ زندگی بشر را تلاش در راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل می دهد. با وجود این، در جستجوی این گم گشته، نزاع ها بر می‌خیزد و ستیزها رخ می دهد، چندان که گاه ستمگران و زورمندان، ظلم ها می کنند تا اثبات نمایند که روشی عادلانه دارند. عدالت پیوسته از این ابهام درونی رنج می برد و قربانی آزادی خود از تعلق ها می شود. پس، آخرین چاره این است که با اخلاق پیوند خورده، و همگان با آن تحول یابد.

بدین ترتیب، آرمان عدالت و مصداق های آن ثابت نیست و به جای عدالت معقول و جاودانه، باید از «عدالت زمانه» سخن گفت. دادرسان، هنرمندان تمیز اخلاق و عدالت و

www.SID.ir

Archive of SID

تواناترین حامیان این ارزش ها هستند و پایبندی روانی آنان به رعایت حرمت قانون و آراء گذشته خود و همچنین سلسله مراتب قضایی که به وحدت رویه ها می انجامد، از مهم ترین عوامل ایجاد نظم در اجرای عدالت و جلوگیری از آشفتگی راه حل ها در این زمینه است. (قطب الدین رستگار،۱۳٦۰: ۱٦۰-۱۳۷)

چنان که گفته شد، در نظر گروهی از نظریه پردازان، جوهر عدالت در دنیای کنونی «برابری» است. اجرای عادلانه قانون بدین معنی است که درباره غنی و فقیر و در هر موقعیتی، یکسان اجرا شود. ولی، باید پذیرفت که در این مفهوم صوری و خشک هیچ گونه کیفیتی راه ندارد و نقص در همین جا است. بی گمان، عدالت ایجاب نمی کند که درباره هر مجرمی، قطع نظر از ویژگی های فردی او، مجازاتی یکسان مقرر شود و کیفر، به اعمال تعلق گیرد نه به اشخاص. عدالت صوری و مجرد برای صورت بخشیدن به این مفهوم اخلاقی و اداره آن کافی نیست و حکم دل و شرایط، در آن نقش مؤثری دارد. به گفته مارسل بوزار «این عقل نیست که معیار اخلاقی را معین و تحمیل می کند، بلکه احساس ما است». و انگهی، انصاف نیز باید وسیله نرمش و انعطاف عدالت شود و از ناروایی در اجرا و اداره عدالت بکاهد و ارزش های متعارض را جمع کند.(بوازار،۱۳۵۸: ٦۰-٤٤)

به بیان دیگر، گاه اجرای قانون و قواعد عادلانه و مجردی که اندیشیده ایم، مانند کیفر جرم در موردی خاص، وجدان عدالت خواه را قانع و راضی نمی کند و ناچار، به انصاف روی می آوریم تا تمام حقیقت موجود و ویژگی های آن را نیز به حساب در آوریم و از تعارض ارزش ها بکاهیم. در واقع انصاف، عصای عدالت است تا به حرکت مستقیم آن کمک کند و تکیه گاه آن به هنگام خطر سقوط باشد.

۳. آموزش

مهمترین رکن توسعه در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی، آموزش است; که سازندگی و بهبود و تعالی انسان را به همراه دارد. آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتا پایدار در فرد، تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی‌ها، تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی کند. بنابراین آموزش به‌مفهوم تغییر دانش، نگرش و تعامل با همکاران است. آموزش مستلزم استفاده از برنامه‌های پیش‌بینی شده‌ای است که شایستگی‌های موجود در کارکنان را تقویت و موجب کسب دانش، مهارت و توانایی‌های

www.SID.ir

Archive of SID

تازه در فرد می‌شود، به‌گونه‌ای که بهبود عملکرد شغلی را تسهیل می کند.(انصاری،۱۳۵۹: ۱۰۲)

٤. آموزش

کلمه "آموزش " معادل واژه انگلیسی "Instruction" یا "Teaching" است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش، در اصطلاح، از هم متفاوتند که به آن اشاره خواهیم کرد. همچنان آموزش به‌معنی آموختن، یاددادن و تعلیم در برابر تربیت نیزمی‌باشد. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است:

- تحریک و راهنمای یادگیری؛
- هنر کمک کردن به یادگیری در دیگری؛
- فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای دانش آموزان و دانشجویان، در داخل و خارج از مکان درسی، آسان کند.(شعاری نژاد،۱۳۷۷: ٥٤)

٥. تعریف آموزش

- **محمدباقر هوشیار:** آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب روان (آموزگار و فراگیر) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه‌ای است.
- **جان دیویی:** آموزش و پرورش تکرار تجربه‌است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.
- **ژان ژاک روسو:** آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی)، و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.
- **دانشنامه بریتانیکا:** از آن‌جایی که کودکان بی‌سواد، نادان و غیرمطلع از فرهنگ جامعه‌شان به دنیا می‌آیند، برای یادگیری فرهنگشان، هنجارهای رفتاری افراد بالغ، یادگیری مهارت‌ها، یافتن نقششان در اجتماع و رسیدن به اهدافشان نیاز به آموزش دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

- **امیرحسین آریان‌پور**: آموزش و پرورش عبارت است از «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی تجارب انسانی.
- **براون واتیکنس** در خصوص تعریف آموزش می گویند: آموزش فراهم آوردن فرصت هایی است برای اینکه دانش آموز یاد بگیرد.شعبانی،۱۳۷۱: ۷۷)
- **سیف** در خصوص آموزش می گوید: آموزش فعالیتی است که معلم برای آسان ساختن یادگیری طرح ریزی می کند. و بین او و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد; به زبان دیگر آموزش، هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده با هدف آسان کردن یادگیری در یاد گیرندگان است.
- **گانیه:** آموزش را مجموعه ای از رویدادهای "به عمد ترتیب داده شده" می داند که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است.(شکوهی،۱۳٦۸: ۸۳–۷۹)

٦. حق آموزش

حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر است که به صورت بین المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است . احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی ، سیاسی ، جنسیتی و نژادی از نشانه های بارز پایبندی حکومت ها به یکی از جنبه های مهم حقوق بشر در سطح جهان است . این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همهٔ افراد فراهم گردد و دولت ها مکلف اند با بهره گیری از همهٔ منابع در دسترس ، زمینه را برای بهره مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ، آموزش را در زمرهٔ حقوق افراد و اهداف آن را رشد شخصیت انسانی ، احترام به حقوق و آزادی های بشر ، تقویت حسن تفاهم ، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی ، برشمرده است . در اعلامیهٔ مذکور ، حق تقدم و اولویت والدین برای انتخاب نوع آموزشی که به فرزندشان ارائه خواهد شد به رسمیت شناخته شده است . قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نیز امضا کنندگان خود را متعهد ساخت که آزادی والدین را برای انتخاب مدارس فرزندان خود در مدارسی ، به جز آن ها که توسط مسئولان دولتی

www.SID.ir

Archive of SID

تاسیس و اداره می شود ، محترم شمارند . طبق قرارداد بین المللی حقـوق سیاسـی و مـدنی نیز حکومت ها متعهد شده اند که آزادی والدین را برای هماهنگ ساختن آمـوزش اخلاقـی و مذهبی فرزندان با عقاید و باورهای شان تضمین کنند .(ساخار، ۱۳۷۰: ٦٦)

از لوازم فطری انسان ، قابلیت کنجکاوی و پژوهش است . تحقیق و تفکر در هـر پدیـده و امری ، انسان را در به کارگیری مواهب الهی ، اعم از مواهب طبیعـی و انسـانی توانـا مـی سازد و حرکت در مسیر تعالی و توسعه را تسهیل می کند و سـعادت و نیکبختـی انسـان را که تحصیلی است و نه حصولی ، میسر می سازد . بنابراین تحقیق و پژوهش ، آثار غیر قابـل انکاری را در حیات فردی و اجتماعی بشر دارد . (٤) تحصیل و فراگیری علم و دانش یکـی از حقوق ذاتی انسان هاست . حقوق ذاتی به حقوقی گفته می شود کـه غیـر قابـل سـلب و انتقال است . تنها شرطش این است که این حق را انسان ها بر اساس استعدادشان بـه دسـت می آورند ، اما ناممکن و غیر عقلانی است که حق تحصـیل برابـر بـرای شـهروندان نادیـده گرفته شود . برای داشتن شهروندانی فعال ، آگاهی ، مقدمهٔ شناخت و مطالبهٔ حقوق است.

نهاد آموزش و پرورش هر کشور یکی از مهم ترین ، موثرترین و گسترده تـرین سـازمان های مختلف اجتماعی است کـه مسـئولیت انتخـاب و انتقـال عناصـر فرهنگـی را بـه نسـل نوخاسته جامعه بر عهده دارد . این سازمان دستگاهی است که الگوی کلی نهادهـا و سـازمان های رسمی جامعه به شمار می آید و از دیر بـاز نقـش سـازنده و اساسـی در بقـا و تـداوم فرهنگ و تمدن بشری ایفا کرده است . یکی از مهم ترین راه های ترویج اخـلاق انسـانی در جامعه بشری ، جدی گرفتن آمـوزش اخـلاق و ارزش هـا در مـدارس اسـت . آمـوزش و پرورش ارزش ها را انتقال می دهد و ارزش های جامعه را منعکس می کند و در عین حـال بر آن ها اثر می گذارد . ژان پیاژه گفته است : « هدف آموزش و پـرورش دو چیـز اسـت : نخست ، آفرینش انسان های توانا به انجام دادن کارهای نو ، نه صرفاً تکـرار آنچـه پیشـینیان انجام داده اند ؛ انسان هایی که خلاق ، نو آفرین و جست و جو گرنـد و دوم ، ایجـاد ذهـن هایی که توانایی نقادی دارند و هر چیزی که بـه آن هـا داده مـی شـود را نمـی پذیرنـد و از قدرت استدلال برخوردارند . مصیبت آموزش و پرورش ، شعار دادن ها ، کلی گـویی هـا و مسیرهای از پیش تعیین شده است .(نقیب زاده،۱۳۷٤: ۳۷-۳٤)

www.SID.ir

Archive of SID

۷. حقوق زنان درآموزش

مروری بر آموزه های دینی نشان می دهد که حق آموزش نـه تنهـا جنسـیت پـذیر نیـست، بلکه هم در مورد زنان و هم مردان سفارشات فراوانی در بـاب اکتسـاب علـم وجـود دارد . تعلم برخی از علوم در دین اسلام، واجب عینی است. برخـی دیگـر از علـوم نیـز اگرچـه اکتساب آن بر زن واجب نیست، اما یادگیری آن بـه زنـان سـفار ش شـده اسـت. دیـدگاه قوانین نیز همان دیدگاه آموزه های دینی اسلام است، امـا بـر روی علـومی کـه واجـب عینی هستند و یا علوم سفارش شده برای زنان تأکید چندانی نشده است.

ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصـیت زن و احیـای حقـوق مـادی و معنـوی،با توجه به دیباچهٔ قانون اساسی که به ستم هایی که در نظام طاغوتی بـه زنـان رفتـه اشـاره میکند، مادهٔ ۲۱ ،دولت را موظـف بـه ایجـاد زمینـه هـای مـساعد بـرای رشـد شخـصیت زن و احیـای حقـوق مـادی و معنـوی او در جهـت اسـتیفای حقـوق از دسـترفته آنان می داند.(نوری،۱۳٤۷: ٥۳/٤)

منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظـام جمهـوری اسـلامی ایـران، در راسـتای تحقق اصول ۲۰ و ۲۱ قـانون اساسـی جمهـوری اسـلامی ایـران و سـند چـشم انـداز جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است زمینه هـای تبیـین و تحقـق عملـی حقـوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی را بر اسـاس سـند مرجـع (منـشور حقوق و مسئولیت های زنـان در نظـام جمهـوری اسـلامی ایـران مـصوب ۱۳۸۳/۳/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) فراهم نماید.(ایران منش،۱۳۷۷: ۳۳-۳۱)

از مشکلات سـاختاری برنامـه هـای توسـعه در ارتقـای وضـعیت زنـان فقـدان یـک هدف گذاری مناسب جهت تعیین وضعیت آرمانی زنان است. ایـن امـر، موجـب گـشته است تا در طی چهار برنامهٔ توسعه، یک سیاست گذاری پله ای، جهـت ارتقـاء وضـعیت زنان در نظر گرفته نشود. این درحالی است کـه یـک نظـام مرحلـه ای و زنجیـروار در برنامه های توسعه می تواند گام به گـام، وضـعیت زنـان را در فراینـد توسـعه بـا تبـدیل وضعیت به مرحله ای بالاتر تکامل بخشد. معمولاً پرداختن بـه مسـائل زنـان بـا تغییـرات سیاسی و نظریات جناح های مختلف و احزاب گوناگون دچار تغییر و بحـران مـی شـود . مشکل اصلی، عدم یک اجماع نظر کلی درخصوص مسـائل زنـان ازجملـه در موضـوعات توسعه است؛ به گونه ای که به نظر میرسد تغییرات دولت هـا و نهادهـای حکـومتی، بـه دگرگونی در مبانی سیاسـت گـذاری در ایـن حـوزه منجـر مـیگـردد. ایـن وضـعیت،

www.SID.ir

Archive of SID

برنامه ریزی منسجم و گام بـه گـام را در جهـت حـل مـشکلات زیربنـایی و همچنـین شناسایی اولویت های امور زنان مشکل می سـازد . (آملی،۱۳۷۲: ۱۸۳-۱۷۱)

۸. جایگاه ونقش زنان درتوسعهٔ پایدار جامعه

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه مـی توانـد موفقیـت آمیـز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه های اجتماعی و برای همه آنـان صـورت پـذیرد. در میان گروه های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهنـد و بـدلیل ارتبـاط مستقیم آنان با گروه های سنی جوانـان، نوجوانـان وکودکـان و نیـز تـاثیر بـر نـیم دیگـر از جمعیت، یعنی مردان از مهمترین و موثرترین گروه های اجتماعی به شمار می آینـد، و ایـن واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.توجه به نقـش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم الف) عـدم تحقـق کلی نظریات توسعه در بهبود کشـورهای جهـان سـوم و ب)موقعیـت نـامطلوب اجتمـاعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود . نتیجه آن که با وجود طرح رهیافت های مختلف برابـری زنان و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کـار آیـی و نظریـه توانمندسـازی زنان توجه جدی شد. رسیدن به معیار توانمندسازی زنان در چارچوب تحلیل جنسـیتی نیـاز به یک حرکت همه جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتمـاعی، اقتصـادی، سـاختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش ها و همچنین برنامه ریزی از پایین به بـالا دارد . در این نوشتار تلاش برآن بوده تا با توجه به ابعاد مختلـف نقـش زنـان در جامعـه بـه بررسـی جایگاه آنان در فرایند توسعه پایدار پرداخته شود. اگرچه به شـکل بسـیار ابتـدایی و نـاقص، ولی سعی شده تا به اهمیت نقـش زنـان در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگـی و زیست محیطی توجه بیشتری شود و در نهایت در قالبیـک نمـودار نقـش زنـان را در مسـیر توسعه پایدار نشان دهد.(بوشهری،۱۳۶۹: ۳۶-۲۷)

امروزه، اساساً توسعه عبارت اسـت از تـلاش انسـان در دگرگـونی محـیط بـرای رفـع نیازهای خود در جنبه‌های مختلف اقتصـادی، اجتمـاعی، فرهنگـی و سیاسـی. امـا آنچـه در این‌جا مورد بحث بوده، توسعهٔ سیاسی است. یکی از مهـم‌تـرین راه‌هـای دسـتیابی بـه ایـن توسعه، مشارکت سیاسی زنان در سطوح کـلان جامعـه اسـت. ایـن امـر، در گـرو برقـراری روابط و مناسبات اجتماعی مطلوب و عادلانه امکـان‌پـذیر اسـت. هـرچـه جامعـه از روابـط

www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی انسانی‌تر و عادلانه‌تر برخورداد باشد، مشارکت و همکاری افراد بیشتر و بهتر می‌گردد.

یکی از اهداف مهم توسعه، نفی نابرابری‌های طبقاتی، قومی، جنسی و انسانی است. امروزه از میان برداشتن نابرابری‌های موجود میان مردان و زنان و به رسمیت شناختن جایگاه زنان در مباحث توسعه، به بحثی اساسی در میان کشورها تبدیل شده است. زنان با وجود بر عهده داشتن نقش‌های متعدد خانوادگی، همسرداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری، ضرورت است که در جامعه حضوری فعال و مؤثر داشته باشند. آن‌ها از این رهگذر می‌توانند نقش مهمی در فرآیند توسعهٔ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا کنند.

زن و مرد، هردو، باید از فرصت‌های برابر و مساوی بهره‌مند شوند تا معلوم شود که زنان نیز، هم‌چو مردان، توانایی رشد و کسب شایستگی‌های فراوانی دارند. بدون حضور زنان در عرصهٔ اجتماعی و سیاسی نمی‌توان از تعادل اجتماعی و سیاسی جامعه سخن به میان آورد. تاریخ نشان می‌دهد که حرف آخر را قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران می‌زنند. پس باید در انتخاب قانون‌گذاران دقتی جدی و انتخابی درست کنیم. زنان باید به لزوم حضور گسترده خود در عرصهٔ سیاست پی ببرند و برای کسب حقوق حقهٔشان، خود را به تفکر سیاسی و آگاهی جنسیتی مسلح کنند. زنان باید در جایی‌که دربارهٔ آن‌ها تصمیم گرفته می‌شود، حضور داشته باشند و مردان در چنین مسایلی، یاران بی‌همتای زنان باشند، نه رقبای آن‌ها. (ایران منش،۱۳۷۸: ۹۳-۹۰)

آن‌چه هم‌اکنون در جهان رخ می‌دهد، دامنهٔ گسترده‌تری دارد، نه‌تنها انجمن‌ها و تشکل‌های مربوط به امور زنان، بلکه زنان خارج از گروه یا حزب برای کسب کرسی‌های قدرت هم‌پای دولت‌مردان در تلاش و مبارزه‌ای تنگاتنگ قرار می‌گیرند.

۹. نقش زنان درتربیت فرزندان واستحکام خانواده

ضرورت و اهمیت این موضوع وقتی به طور محسوس احساس می شود که به این واقعیت پی ببریم که تقریباً هر زن در همه عرصه های زندگی می تواند نقش آفرین باشد؛ و اگر زنی قادر باشد با موفقیت از عهدهٔ امور فوق برآید، خواهد توانست به عنوان منبع آرامش فکر و دل شوهرش عمل کند. قرآن مجید می فرماید:

www.SID.ir

Archive of SID

«و از نشانه های خداوند این است که خداوند برای شما همسرانی از خودتان آفرید که بتوانید در کنار آنها آرامش یابید» (سوره روم،آیه۲۱)

انسان فی نفسه یک جهان است. کمال وی در تقرب به قرب الهی است. سعادت ابدی وی نیز در رسیدن به قرب پروردگار مهربانش است. تا هنگامی که وی به این واقعیت ذاتی و فطری، جامهٔ عمل نپوشانده است، نخواهد توانست در مسیر شادکامی گام نهد. این مطلب را می توان براحتی با رجوع به آیات قرآن مجید ثابت کرده و از آن دریافت که:

۱. انسان در تلاش است تا به قرب پروردگارش نایل شود؛

۲. یک فرآیند، دائماً در حال تحول وجود دارد که مقصد نهایی آن، خداوند ـ کمال مطلق ـ است. انسان یک مسیر تحول و دگرگونی بی پایان را پیش روی دارد که وی را قادر می سازد تا به کمال خویش دست یابد.

بنابراین، هر مادر صادق و پاک نیّتی که تلاش می کند فرزندانی صالح تربیت کند، نخست باید به قطعیت این ایمان و اعتقاد مسلم نایل آید. با آگاهی و شناخت از این واقعیت، وی باید تلاش کند راهی را برای فرزندان خود برگزیند که آنها را قادر سازد به یک زندگی مسئولیت پذیر رهنمون شوند و از این طریق به سعادت و رستگاری دست یابند.

صرف شناخت هدف و راهی که به این هدف منتهی می شود، کافی نیست. تا مادامی که زن به عنوان یک «انسان» خود، مسیر سعادت را دنبال نکند هرگز نباید انتظار داشته باشد که بتواند به آسانی فرزند خود را در مسیر سعادت هدایت کند. هر عمل و عکس العمل مادر، بخشی از این مسیر را به نمایش می گذارد. زنی که قصد دارد فرزند مؤدّب و با نزاکتی تربیت کند، خود باید بداند که وی چه بخواهد و چه نخواهد همواره برای فرزندش در حکم یک معلّم است؛ زیرا بچّه تمام اعمال و گفتار مادر را تقلید می کند. او از مادرش یاد می گیرد چگونه کلمات خوب یا بد را بر زبان آورد، چگونه به هنگام خشم دست و پایش را حرکت دهد، و چگونه صبور باشد. بنابراین تا مادامی که مادر، روح خود را مهیای تربیت یک فرزند صالح نکرده باشد و خصال نیکو کسب نکرده باشد، هرگز نباید انتظار یک معجزه از سوی اولادش داشته باشد.(هاشمی،۱۳۸٤: ٤٨/١-٤٤)

فرآیند تربیت فرزند به آن آسانی که برخی از مادران فکر می کنند، نیست. این فرآیند شبیه نوعی جهاد با نفس است. در واقع، این فرآیندی است که مستلزم دقت فراوان و بردباری لاینقطع است. همچنین این فرآیند مستلزم مهارت و تخصص مادر است. اعمال

www.SID.ir

Archive of SID

زیادی وجود دارد که از سوی مادر انجام می شود و مستقیماً بر فرزند تأثیر می گذارند؛ اما به دلیل غفلت و جهل به این مسأله توجهی نمی شود؛ اما در واقع یک تأثیر غیر مستقیم بر جای می گذارد و آینده نسل آتی را تباه می کند. اغلب اوقات کودک رابطهٔ نزدیکی با مادرش دارد و تقریباً همواره در کنار اوست، بنابراین الگوی وی مادرش است. مادر باید با محبت، با گذشت، باتقوا و مؤثر و کارآمد باشد. هر چه یک زن کاملتر باشد و به کمالات بیشتری دست یافته باشد، تأثیر بیشتری بر فرزندش خواهد داشت و برای او الگوی بهتری خواهد بود. به عنوان یک مادر، دریافته ام که بچه ها حتی آنهایی که بزرگ شده اند، دائماً به دو چیز نیاز دارند: نخست «عشق و محبت»، و سپس «احساس تعلّق و وابستگی» . به عبارت دیگر، یک کودک به عشق و محبت و همچنین ایمنی نیاز دارد. در حقیقت، بچّه ها الگوبرداری از مادرانشان را دوست دارند. اگر یک مادر به گوش دادن به موسیقی علاقه داشته باشد بچه اش نیز به آن علاقمند می شود! اگر یک مادر از خواندن کتب مذهبی لذت ببرد، فرزند وی نیز از این کار لذت می برد. این یک واقعیت شگفت انگیز است! به همین دلیل است که مادر باید یک شخصیت بی شائبه را ارائه دهد. (ورداسبی،۱۳۷۲: ۲۸)

روانشناسی کودک در عصر حاضر یک رشتهٔ مجزا و مستقل است. مادران جوان نه تنها باید در مسائل مربوط به روانشناسی کودک به کتب دانشمندان مسلمان تکیه کنند، بلکه باید به جستجوی متون کاربردی و عینی در این زمینه نیز بپردازند. در حدیثی از یکی از معصومین(ع) نقل شده است که: «خرد، دارایی گمشدهٔ مؤمن است» . در صورتی که مادر از صحت و حقیقت محتوای کتاب یک دانشمند غیر مسلمان اطمینان نداشته باشد، باید برای کسب اطمینان خاطر به یک کارشناس خبرهٔ مسلمان رجوع کند. کافی است بگوییم که یک مادر فرهیخته برای فرزندانش در حکم یک دارایی است. یک عالم فرزانه گفته است: «تعلیم و تربیت یک زن تعلیم و تربیت یک ملت است».

مادامی که مادر به اهمیت مسألهٔ تربیت کودک پی نبرد، همواره با بی توجهی و سهل انگاری به این موضوع نگاه می کند و همواره امیدوار است که آیندهٔ نه چندان دور ــ که ممکن است هرگز نیاید ـ رفتار اولادش را تصحیح خواهد کرد. تعلل و به فردا افکندن این کار خطیر به معنای غفلت از لحظات ارزشمند زندگی کودک است. اگر مادری مطابق معیارهایی که همواره به سعادت بشر منتهی می شود کودک خود را تربیت کند، و امیال پست و حقیر خود را سرکوب کند، اینچنین مادری می بایست خود را قهرمان و بنیانگذار نسلی قلمداد کند که ستارگان و نخبگان جامعه را تشکیل خواهد داد، زنان و مردانی که با

www.SID.ir

Archive of SID

تمام وجود مطیع امر پروردگار خواهند بود و آنها نیز کاروان اولادهایشان را به همان مسیری هدایت می کنند که والدینشان آنها را قبلاً به آن رهنمون ساخته بودند. برعکس، اگر مادری به امر تربیت فرزندش بی توجهی نشان دهد و در جهت تربیت صحیح وی نکوشد، چنین مادری مسئول تداوم فرآیند نابودی بشر و انهدام بنای یک نسل کامل از انسانهای دارای خصال نیکوی بشری خواهد بود. از اینرو، مسأله تربیت کودک بی نهایت حیاتی و نگران کننده و در خور تفکر و تأمل است. ما دارای یک الگوی پرافتخار هستیم و آن حضرت فاطمه زهرا(س) که تربیت شکوهمند فرزندانش به شخصیتهای گرانبهای همچون امام حسن(ع) و امام حسین(ع) انجامید. بنابراین، پیشرفت یا انحطاط یک جامعه در دست زنان آن جامعه است.(مصطفی السباعی،۱۳۵۷: ۱۰۳-۱۰۲)

۱۰. ادله و مبانی حقوقی عدالت آموزشی زنان

آنچه که امروز وجودش انکارناپذیر است، وجود تفاوت ها و تبعیض ها در این دنیاست. تفاوت هایی که بخش قابل توجهی ازآن ناشی از نابسامانی ها و بی عدالتی های اجتماعی ، اقتصادی وآموزشی است که خود ریشه در نشناختن عدل به مفهوم واقعی و الهی دارد. تنها با شناخت واقعی و سپس برطرف کردن این مشکلات است که معضل تفاوت ها و تبعیض ها ریشه کن خواهد شد.پرواضح است که درهرجامعه ای غنای قوانین حقوقی وتضمین اجرایی آن به سامان دهی امور وتحقق عدالت منجرمی شود.

پیشرفت یک جامعه را می‌توان با سنجش عدالت اجتماعی به‌عنوان والاترین ارزش و آرمان برای رستگاری انسان دریافت. عدالت اجتماعی آرمان جمهوری اسلامی بوده و برآمده از اسلام و سنت آن است اما جامعه امروز به ارتقای عدالت اجتماعی و فرهنگ آن نیاز دارد که می‌توان از طریق آموزش عدالت‌محور به آن رسید. آموزش عدالت‌محور و تلاش در راستای آن، در اصول یک تا سه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. با آموزش عدالت‌محور می‌توان به تغییر رفتار فردی رسید که به گسترش عدالت اجتماعی در جامعه منتهی خواهد شد. در عین حال می‌توان این مهم را از طریق تدوین منشور عدالت اجتماعی با تمرکز ویژه بر آموزش پیگیری نمود. مهم‌ترین گام برای تحقق عدالت اجتماعی بی‌شک تحقق عدالت آموزشی است، به این معنی که جامعه‌ای می‌تواند به عدالت اجتماعی دست پیدا کند که عدالت آموزشی در آن حاصل شده باشد.(محمدی گیلانی،۱۳٦۸: ٤٤)

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱. دلیل اصول قانون اساسی

۱.۱۱ اصل بیستم

«همه افراد اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصل بیستم قانون اساسی در خصوص دو موضوع میباشد: اول تساوی همه افراد اعم از زن و مرد در مقابل قانون که در صدر اصل به آن اشاره شده و دوم برخورداری ایشان از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسالمی که در ذیل اصل به آن اشاره شده است. پیرامون این اصل باید گفت که بین ماهیت حقوق از یک سو و اجرا و تضمین اجرای آنها برای افراد ملت از سوی دیگر تفکیک صورت گرفته است. در حقیقت در این اصل، در ابتدا از مرحله اجرا و تضمین حقوق بحث می شود که قانون برای زن و مرد فارغ از این که چه حقوقی دارند، این حقوق را تضمین میکند. اما در قسمت ذیل اصل به ماهیت حقوق و اصل وجود حق و حقوق برای زنان و مردان پرداخته میشود. و از آنجا که در شرع مقدس بعضاً تفاوت هایی در بهره مندی زن و مرد از حقوق وجود دارد، قید »با رعایت موازین اسلام ذکر شده و این قید به روشنی به ذیل اصل بر می گردد. یکی دیگر از جنبه های برابری، رعایت برابری در بهره مندی از خدمات عمومی است .یقینا شهروندان در بهره مندی از خدمات عمومی سهم یکسانی ندارند؛ چرا که برخی از این خدمات برای اشخاص یا اصناف خاصی لحاظ شده اند. اما مسأله مهم این است که در روند ارائه خدمات به متقاضیان نباید هیچگونه تبعیضی اعمال شود.(ایران منش،۱۳۷۸: ۵۰-۵۳)

بنابراین با توجه به متون اصل بیستم وشرح وتفسیرآن که توسط شورای نگهبان صورت گرفته است وبا توجه به اشاره های صریح آنها به حمایت قانونی یکسان درهمه حقوق انسانی اعم از حقوق اجتماعی وفرهنگی وتساوی زن ومردبا رعایت موازین اسلامی ونیزتضمین اجرایی بودن-ضمانت اجرایی-،می توان نتیجه گرفت که یکی از بارزترین موضوعات حقوق انسانی ازنوع اجتماعی وفرهنگی اش همان عدالت آموزشی می باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲.۱۱

درسیاست های کلی برنامه ششم توسعه آمده:

تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

۳.۱۱

درمنشور حقوق و مسؤولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران،مصوب شورای عالی انقلاب درجلسه شماره ٥٤٦ مورخ ۸۳/٦/۳۱ ومصوب مجلس شورای اسلامی درجلسه علنی مورخ۸۵/۱۱/۱۵ مقررشده:

- حق برخورداری از تکریم و مسؤولیت رعایت آن برای دیگران
- حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت
- حق بهره مندی از بهداشت (محیط، کار و ...) و اطلاعات و آموزش های مورد نیاز
- حق آگاهی و مشارکت زنان در تصمیم گیری های مربوط به کنترل باروری و تنظیم خانواده
- حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم
- حق و مسؤولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه های مختلف زندگی منطبق با آیین مقدس اسلام
- حق مشارکت در سیاستگذاری، قانونگذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به ویژه درخصوص مسائل زنان
- حق و مسؤولیت آگاهی و کسب مهارت های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب های فرهنگی واجتماعی
- حق سواد آموزی عمومی، ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان
- حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی

www.SID.ir

Archive of SID

- حق کسب مهارت ها و آموزش های تخصصی بصورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح
- حق برخورداری زنان و دختران مناطق محروم از حمایت های خاص در امر آموزش
- حق و مسؤولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن و منزلت زنان در متون درسی و آموزشی
- حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم گیری و مدیریت های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی وبین المللی(حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ۲۸-۲٤)

۴.۱۱

در مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای فرهنگی اجتماعی زنان)آمده است:

- زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردارشوند.
- نظام زوجیت از ارکان عالم خلقت و از آیات و نشانه های الهی است و وحدت زن و مرد در ابعاد

انسانی و اختلاف آنها در بعد بشری ازشاهکارهای خلقت و موجب تداوم و تکامل حیات آنان می باشد.

- آموزش زنان و مردان درخصوص اهمیت نقش آنان در تربیت فرزندان متناسب با مقتضیات زمان و مراحل مختلف رشد آنان؛
- ارتقاء آگاهی و اصلاح نگرش جامعه و خانواده درخصوص حقوق و مسؤولیت های زنان در خانواده؛
- تقویت ارتباط خانواده با نهادهای آموزشی و پرورشی و ایجاد هماهنگی بیشتر در بین آنها به منظور ایفای نقش بهتر در تربیت فرزندان. (حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ۳۵)

www.SID.ir

Archive of SID

۵.۱۱ سیاست های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی(۸۴/۷/۲۶)

- زنان کشور ما نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند و سازندگان و پرورش دهندگان نسل های آینده اند و منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می شوند بنابراین باید در نظر گرفتن جایگاهشان در نظام اسلامی و شناخت موقعیت کنونی آنان به گونه ای برنامه ریزی شود تا امکان پرورش کامل استعدادهایشان مهیا شود و با کاهش فاصله قابلیت های علمی زنان و مردان، بسیاری از مشکلات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی را حل نمود و از طرفی تمام اعضای خانواده و اجتماع در بهره وری از آن سهیم خواهند شد.
- ایجاد فرصت و امکانات عادلانه و رفع تبعیضات ناروا در تربیت نیروی متخصص زن به منظور بهره گیری از تخصص آنان در توسعه و تعالی کشور
- افزایش توانمندی و کسب مهارتهای لازم برای زنان جهت ایفای مؤثرتر مسئولیتهای فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی زنان
- اتخاذ تدابیر قانونی و آموزشی انعطاف پذیر و متناسب با مسئولیت های خانوادگی زنان (همسری و مادری)
- توسعه کمی و کیفی امکانات آموزش عالی برای دختران در نقاط محروم جهت رشد استعداد آنها و دسترسی به سطوح بالای آموزشی

۶.۱۱ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای آموزش سلامت زنان

سلامت زنان به عنوان جایگاه والای او در جوهره خلقت به ویژه در شکل گیری فرهنگ، تربیت، سعادت و حفظ و ارتقای سلامت خانواده و جامعه دارای نقش تعیین کننده است که این خود تحت تأثیر حقوق اساسی آنان در خانواده و اجتماع قرار می گیرد.قانون اساسی جمهوی اسلامی ایران با حمایت از حقوق انسانی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد اعم از زن و مرد، سلامت افراد را یک حق اساسی دانسته و تأمین نیازهای سلامت آنها را تکلیف اصلی دولت شمرده است. منشور حقوق زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر حق سلامت زنان در بهره مندی و دسترسی به خدمات، حمایت ها و مراقبت های بهداشتی درمانی مورد نیاز و با کیفیت مناسب تأکید می نماید.شورای عالی انقلاب فرهنگی براساس پیشنهاد شورای فرهنگی- اجتماعی زنان سیاست های لازم و راهبردهای اساسی برای

www.SID.ir

Archive of SID

تضمین سلامت زنان و دستیابی آنان به مراقبت های همه جانبه و مورد نیاز در دوره های مختلف زندگی را با تکیه بر پژوهش های انجام شده در ابعاد مختلف و با تأکیدبر عوامل فرهنگی تأثیرگذار به شرح ذیل تصویب می نماید: (حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ٤٢)

- حق سلامت: حق سلامت زنان به معنای برخورداری از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی باتوجه به ویژگی های آنان در مراحل مختلف زندگی بوده و از جمله حقوق طبیعی و همگانی محسوب می شود و مسئولیت تأمین آن بر عهده دولت ها می باشد.
- ارتقاء و توسعه سلامت زنان در ابعاد جسمی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی در دوره های مختلف زندگی و پیشگیری از بیماری ها و کاهش عوامل خطر سلامت زنان
- افزایش آگاهی جامعه و خانواده از دانش و نیازهای سلامت زنان و نقش آن در توسعه.
- افزایش دسترسی زنان به اطلاعات (به ویژه از طریق رسانه های ملی و جمعی) خدمات و مراقبت های سلامت واجد کیفیت و متناسب با نیازهای آنان در دوره های مختلف زندگی.
- توسعه آگاهی زنان و خانواده ها از نقش و مسئولیت های متعدد زنان در خانواده و اجتماع و همچنین نیازهای سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی اعم از کودکی، بلوغ، ازدواج، باروری، شیردهی، یائسگی و سالمندی.
- آموزش لازم و فعال کردن زنان جهت ارتقای آگاهی و تربیت اعضای خانواده در زمینه شیوه های سالم زندگی توسط رسانه های ملی و جمعی و وزارت آموزش و پرورش.
- افزایش آگاهی های زوجین و آموزش های لازم در زمینه حقوق، تکالیف، روابط سالم زناشویی، بهداشت باروری، مهارتهای زندگی، حسن خلق و معاشرت.
- توانمندسازی، آموزش، افزایش آگاهی و حمایت از زنان، خانواده و جامعه در خصوص مهارتهای لازم زندگی با توجه به آموزه های دینی وشرایط فرهنگی، بومی و منطقه ای در پیشگیری و کنترل آسیب های اجتماعی
- به کارگیری یکپارچه ظرفیت های آموزشی، تربیتی و رسانه ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی. (حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ۵۱)

www.SID.ir

Archive of SID

۷.۱۱ بررسی موضوع عدالت جنسیتی در قوانین و برنامه‌های توسعهٔ کشور

بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت ایران موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند. در برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مواردی که به‌صراحت بر موضوع عدالت جنسیتی در آموزش تاکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارائه کند، وجود نداشته است. در قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بر گسترش عدالت اجتماعی و فراهم کردن امکان استفاده عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالاها و خدمات فرهنگی، ورزشی و هنری و آموزشی تاکید شده و به منظور ایجاد تعادل و کاهش نابرابری ها، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف شده در جهت زمینه سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه های اجرایی ذی‌ربط اقدامات لازم را به عمل آورده و با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با درنظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه های اجرایی ذی‌ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند. همچنین طرح های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی‌شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به‌منظور تصویب به هیات وزیران ارائه کند؛ بنابراین به مواردی چون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی‌وحرفه‌ای به‌ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران و نقش مطلوب زن در محتوای برخی از کتب درسی توسط این برنامه توجه شد. در این راستا، راهکارهایی چون اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، لحاظ‌کردن جنسیت در دوره های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تاکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت‌مربی و موسسات آموزش فنی‌وحرفه‌ای ویژه زنان و تامین امکانات آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای از طریق استفاده از مراکز شبانه‌روزی خاص زنان و مردان مورد توجه قرار گرفت. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مواردی در خصوص توجه به آموزش دختران گنجانده شده است و به موضوع

www.SID.ir

Archive of SID

دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه برای دختران، تاکید شده است. در این راستا تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمترتوسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی‌وکیفی آموزش عمومی، فراهم‌کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تامین تغذیه، آمدوشد و بهداشت دانش‌آموزان و سایر هزینه‌های مربوط به مدارس شبانه‌روزی و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت مد نظر بوده است. همچنین بر اجباری‌کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی نیز تاکید شد. در قانون برنامه پنجم توسعه نیز بر تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمترتوسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی تاکید شده و آمده است که وزارت آموزش‌وپرورش موظف است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمترتوسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و سایر موارد همچون برنامه چهارم توسعه اقدام کند. (حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ٤٨-٤٥)

در تحقیقی که ارزشیابی تحقق عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ملی و بین‌المللی توسط محمد آتشک و با روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ انجام شده، بیان شده است نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش رخ داده است؛ در مقطع راهنمایی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران مشاهده می‌شود و در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش هستیم. در مقطع متوسطه بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. برخلاف مقاطع راهنمایی و متوسطه در مقطع پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر پسران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. در مقطع آموزش عالی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود. درمجموع مقاطع تحصیلی، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. به‌بیان‌دیگر فقط در مقطع ابتدایی برابری جنسیتی حاصل

www.SID.ir

Archive of SID

شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی بی عدالتی به ضرر دختران و فقط در دوره پیش دانشگاهی بی عدالتی به ضرر پسران وجود دارد (در ایران در سال ۱۳۸٤ برای اولین بار بر اجباری‌کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تاکید شد).

نتایج بررسی مطالعات وی حاکی از آن است که عوامل موثر بر بی عدالتی جنسیتی در آموزش در ایران را می توان در چهار دسته عوامل خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

الف- عوامل خانوادگی: شامل اندازه خانوار و تعداد فرزندان، درآمد پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر، فرهنگ و سنت‌های حاکم بر خانواده

ب- عوامل آموزشی: شامل قوانین آموزش ازجمله اجباری یا غیراجباری بودن دوره‌ها

ج- عوامل اجتماعی: شامل طبقه اجتماعی و اقتصادی، محل زندگی (شهر یا روستا)، وضعیت تاهل

د- عوامل اقتصادی: شامل سهم بودجه تخصیصی به آموزش از منظر بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، ورود زودهنگام به بازار کار، اختلاف جنسیتی دستمزد(زعفرانچی،۱۳۸۵)

بنابراین با توجه به اهمیت وتأکیدقوانین حمایت از حقوق آموزشی زنان ومصرح سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ومصوبات شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی،به موضوعاتی از قبیل: استیفای حقوق شری وقانونی بانوان درهمه عرصه ها(یکی از آن عرصه ها آموزش است)،حق برخورداری از عدالت اجتماعی دراجرای قانون بدون لحاظ جنسیت(که یکی از انواع عدالت،عدالت آموزشی است)،حق بهره مندی از آموزش های موردنیاز(که درسایه تحقق عدالت آموزشی میسراست)،حق آگاهی زنان(درسایه آموزش واطلاع رسانی)،حق سواد آموزی وارتقای آموزشی وبرخورداری از امکانات آموزش وپرورش برای زنان(که با عدالت آموزشی محقق می‌شود) ، حق تحصیل درآموزش عالی،حق کسب آموزش های تخصصی وبرخورداری از حقوق عادلانه،همه وهمه حاکی از تأکید آن ها بر رعایت وتحقق حق آموزشی وعدالت آموزشی درمورد زنان است. (حاجیان مقدم،۱۳۹۵: ٦۳-٦۲)

www.SID.ir

Archive of SID

۱۲. نتیجه‌گیری

با توجه به این که مبادی وسرچشمه ها وتکیه گاههای اساسی نظـام حقـوقی کشـورما ایـران ازفقه جامع ما امامیه سرچشمه ونشأت می گیردلذا به راحتی به می تـوان بـه غنـای ظرفیتـی وپتانسیلی موجوددرنظام حقوقی کشورمان درارتباط با موضـوع عـدالت آموزشـی زنـان پـی برد.ولی با مشاهده موانع وهمچنین نقص وضعف درتحقق عـدالت آموزشـی زنـان درنظـام آموزشی کشور،به نظرمی رسد که سه ضعف کلیدی درسیستم فقهی وحقوقی مـا وجـوددارد که این ضعف ها نه درذات وظرفیت های درونی آنهـا بلکـه درضـعف عملکـردی متولیـان فقهی وحقوقی می باشدوآن ضعف های سه گانه، یکی درعدم به روزرسانی مسـتمروپویایی آن ها ست ودیگری درعدم نظارت مستمر وجدی وسومی درعدم ضمانت اجرایی آنهاسـت که امیداست با توجه وعمل به پیشنهاد های ارایه شده درادامـه ایـن تحقیـق بتـوان برخـی از ضعف های موجودرا از بین برد.انشالله تعالی.

۱.۱۲ یافته نوین مقاله

۱.۱.۱۲ خلاء قانونی

باوجود چندین دستور فقهی و قوانین حقـوقی درخصـوص عـدالت آموزشـی (چـه بـه صورت مستقیم وچه غیرمستقیم) ولی باز به لحاظ عدم وجودحـوزه نظـارتی قـوی وجـدی ازجانب متولیان فقهی ونیزحقوقی و وجـودنقص درتـأمین ضـمانت اجرایـی آن دسـتورات وقوانین ،شاهدضعف های اساسی درتحقق عدالت آموزشی درسیستم های آموزشـی کشـور هستیم ولذاپیشنهاد می شودسیستم فقهی وحقوقی کشـورعلاوه بربـازنگری وبـه روزرسـانی دستورات وقوانین فقهی وحقوقی،درراستای تشکیل ویـا تقویـت وکارآمـدی نظـام نظـارتی درحوزه های آموزشی کشور،اقدام عاجل به عمل آورد.

۲.۱.۱۲ پیشنهاد یک راهکار اجرایی برای رفع خلاء قانونی

نمایندگانی از دستگاه فقهی وحقوقی کشوردرنظام وسیستم آموزشی کشورحضورداشـته وبـه صـورت تخصصـی وعینـی زوایـای مختلـف عـدالت آموزشـی را ازنظرقـوانین حقـوقی ودستورات فقهی موجود مورد بررسی دقیق قراردهندتا به نکات ضـعف وقـوت دسـتورات

www.SID.ir

Archive of SID

فقهی وقوانین حقوقی مرتبط پی برده وبا تجزیه وتحلیل علمی ومنطقی نسبت به بازنگری واصلاح وتکمیل موارد فقهی وحقوقی وبه روزرسانی آنها اقدام نمایند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

انصاری،باقر،(۱۳۹۵)،حق آموزش،تهران:نشرموسسه مطالعات وپژوهشهای حقوقی شهردانش

ایران منش،محمدحسین(۱۳۷۸). نقد وتفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرمان:نشر خدمات فرهنگی

بوشهری، جعفر (۱۳٦۹). حقوق اساسی ،تهران:نشردانشکده علوم اداری و مدیریّت بازرگانیص۳٦ـ۲۷

حاجیان مقدم،فاطمه(۱۳۹۵).امورزنان وخانواده دراسنادبالادستی،تهران:نشردفترامورزنان وزارت کشور

جرج ساخارو پولوس و مورین وودهال،(۱۳۷۰).آموزش برای توسعه،ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران: نشرسازمان برنامه و بودجه.

جوادی آملی، عبداللّه(۱۳۷۲). اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء. ص۱۸۳ـ۱۷۱

سیّد قطب(۱۳٤٦). عدالت اجتماعی ،ترجمه محمّدعلی گرامی و سیّدهادی خسروشاهی، قم:نشر کتابفروشی مصطفوی. ۵۱۵ص

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر(۱۳۷۷).فلسفه آموزش و پرورش، تهران:انتشارات امیرکبیر.

شعبانی، حسن(۱۳۷۱).مهارت‌های آموزشی و پرورشی،تهران: انتشارات سمت.

شکوهی، غلامحسین(۱۳٦۸) .مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد:انتشارات آستان قدس رضوی.

قطب‌الدین رستگار، محمّد (۱۳٦۰). اسلام وعدالت اجتماعی، قم: انتشارات چاپخانه آزادی، ص۱٦۰ـ۱۳۷

مارسل بوازار(۱۳۵۸). اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیّدی، تهران:دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص٤٤ ـ ٦۰

محمّدی‌گیلانی، محمّد(۱۳٦۸). اصول عدالت اجتماعی ،تهران:انتشارات جهان آرا، ٤٤ص

مصطفی السباعی(۱۳۵۷). جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی، ترجمه سیّد علی‌محمّد حیدری، تهران: نشرحکمت. ص۱۰۲، ۱۱۳

نقیب‌زاده، میرعبدالحسین(۱۳۷٤) .نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران:انتشارات طهوری.

نوری، یحیی (۱۳٤۷).حقوق زن در اسلام و جهان، ج ٤،تهر ان: انتشارات فراهانی.

ورداسبی، ابوذر(۱۳۷۲). اسلام پرچمدار مساوات اجتماعی ،تهران:انتشارات نوفل لوشاتو.

هاشمی، محمد (۱۳۸٤). حقوق بشر و آزادی های اساسی، ج۱،تهران:میزان.

www.SID.ir